

آسیای مرکزی و کاربست دیپلماسی پیشگیرانه: مرکز منطقه‌ای سازمان ملل

متحد

نسرین مصفا*

دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

علیرضا شمس لاهیجانی

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی لندن (LSE)

تاریخ دریافت (۱۳۹۲/۸/۵) - تاریخ تصویب (۱۳۹۲/۱۰/۲۳)

چکیده

دیپلماسی پیشگیرانه، اصطلاحی است که بیش از نیم قرن پیش از سوی داک هامرشولد دبیرکل سازمان ملل متحد مطرح شد و امروزه، مرکز منطقه‌ای سازمان ملل متحد برای دیپلماسی پیشگیرانه در آسیای مرکزی^۱ در حال ایفای نقش با هدف حل و فصل مسالمت آمیز اختلاف‌ها و پیشگیری از درگیری‌ها با استفاده از سازوکارهای هشدار و پیشگیرانه است. هدف از تأسیس این مرکز، کمک و حمایت از کشورهای منطقه در ظرفیت‌سازی برای پیشگیری از چالش‌ها در زمینه‌های بالقوه‌ای است که در منطقه توانایی تبدیل و گسترش به درگیری را دارند. این نوشتار ضمن تبیین بحران‌های منطقه‌ای و مرور مفهوم "دیپلماسی پیشگیرانه"، به ارزیابی فعالیت مرکز دیپلماسی پیشگیرانه در آسیای مرکزی می‌پردازد و به دنبال تحلیل و ارزیابی ظرفیت‌های این نهاد در عمل برای مواجهه با تهدیدهای امنیتی منطقه‌ای خواهد بود.

کلید واژه‌ها

دیپلماسی پیشگیرانه، سازمان ملل متحد، شورای امنیت، پیشگیری از درگیری‌ها، امنیت بین المللی، امنیت منطقه‌ای.

*Email: nmosaffa@ut.ac.ir

1. United Nations Regional Centre for Preventive Diplomacy for Central Asia

مقدمه

مرکز منطقه‌ای سازمان ملل متحد برای دیپلماسی پیشگیرانه در آسیای مرکزی (یونرکا) در سال ۲۰۰۷ بر مبنای ابتکار پنج دولت آسیای مرکزی در عشق آباد ترکمنستان تأسیس و از سال ۲۰۰۸ فعالیت رسمی خود را آغاز کرد. این مرکز در راستای گسترش فعالیت‌های پیشگیرانه ملل متحد برای کاهش و تحلیل درگیری‌های مسلحانه با هدف گسترش گفت‌وگو، آسان کردن گفت‌وگو و دستیابی به توافق در زمینه‌های تهدیدهای فرامرزی پیش روی منطقه به‌وجود آمده و در نوع خود بی‌نظیر است. هدف از تأسیس یونرکا، کمک و حمایت از کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان در ظرفیت‌سازی برای پیشگیری از چالش‌ها در زمینه‌های بالقوه‌ای است که توانایی تبدیل و گسترش به درگیری را در منطقه دارند. تروریسم، افراط‌گرایی دینی، قاچاق مواد مخدر، تخریب محیط زیست و آب در این چارچوب مورد نظر مرکز برای فعالیت قرار گرفته‌اند. با توجه به نبود منابع علمی (به‌ویژه به زبان فارسی) در این مورد، هدف اصلی نوشتار شناخت مرکز به‌عنوان یک ساختار منحصر به فرد در سازمان ملل متحد و فعالیت‌های آن از زمان تشکیل در راستای انجام وظایف تعیین شده در سند تأسیس و برنامه‌های اقدام است. با تحلیل و ارزیابی ظرفیت‌های این نهاد در عمل برای مواجهه با این تهدیدهای امنیتی، سؤال اصلی این نوشتار مورد توجه قرار می‌گیرد که آیا سازمان ملل متحد با توجه به هدف اساسی خود در تسهیل همکاری‌ها برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، مؤثر واقع شده یا خیر. این نوشتار در یک مقدمه و چهار بخش و نتیجه‌گیری، سامان دارد.

زمینه جویی

آسیای مرکزی پس از فروپاشی اتحاد شوروی با جامعه بین‌المللی نوینی ناشی از پایان جنگ سرد و به‌دنبال آن، تغییر مناسبات قدرت در نظام بین‌الملل رو به‌رو بود. بنیان نگرانی‌های امنیتی امروزه در مورد آسیای مرکزی بیشتر همان نگرانی‌هایی است که تحلیل‌گران مسائل آسیای مرکزی در بدو تشکیل کشورهای نو استقلال منطقه پیش بینی می‌کردند. با وجود اینکه در آن سال‌ها کشورهای تاجیکستان و قرقیزستان دچار تنش‌ها و ناآرامی‌های داخلی شدند، هنوز تهدیدهای اساسی منطقه‌ای ناشی از میراث دوران اتحاد شوروی یعنی مشکلات

حکمرانی داخلی و نهادهای ضعیف دولت‌های آسیای مرکزی و مشکلات جانشینی رهبران سیاسی است که ثبات و امنیت داخلی کشورها و امنیت داخلی آسیای مرکزی را به چالش می کشد (Trenin, 2011 and Peyrouse, 2011). به نظر می‌رسد که امروزه بر سر وجود نامنی در آسیای مرکزی متشکل از شکاف‌های داخلی میان گروه‌های نژادی و اجتماعی، مشکلات بالقوه زیست محیطی و خطرات اقتصادی توافق نظر وجود دارد. (Trenin, 2011) البته نباید نادیده گرفت که آسیای مرکزی در مقایسه با مناطقی همچون قفقاز از آرامش نسبی بیشتری برخوردار بوده و بیشتر ناآرامی‌ها در آن محدود بوده و با برخورد سرکوبگرانه دولت‌های منطقه رو به‌رو شده است. این آرامش نسبی، همان توجیهی است که رهبران منطقه به آن متوسل و مدعی ثبات در آسیای مرکزی شده‌اند. اما بر کسی پوشیده نیست که آسیای مرکزی یک بمب ساعتی است که نه با تهدیدهای امنیتی سنتی، بلکه با تهدیدهای امنیتی نوین همچون احتمال انجام حمله‌های تروریستی در مناطقی همچون سکوها و تانکرهای نفتی، حمله به کشتی‌های تجاری و مدیریت بحران‌های زیست محیطی و اضطراری روبه‌رو است. (Peyrouse, 2011) تهدیدهای امنیتی در آسیای مرکزی یا بین خود کشورهای منطقه‌ای است، مانند مشکل اساسی مدیریت منابع آب، یا به‌نوعی با تهدیدهای نوین امنیتی در ارتباط است. بنابراین، امنیت در آسیای مرکزی تنها تهدیدهای نظامی نیست، بلکه شامل دولت‌ها با اقتصادهای ضعیف، مخاصمات حل نشده، فقر فزاینده، مهاجرت، جنایت‌های سازمان یافته، قاچاق مواد مخدر، فساد، تروریسم، امنیت انرژی، تسلیحات هسته‌ای و شیمیایی و بیولوژیکی، امنیت دریایی، محیط زیست، امنیت بهداشت (بیماری‌های واگیردار) و امنیت غذایی است که همگی می‌توانند در قالب مخاصمات با شدت پائین^۱ یا ناکارآمدی در حکمرانی متبلور شوند (Peyrouse, 2011; Trenin, 2011; International Crisis Group, 2011 and Allison, 2004). مؤلفه‌ها است که در کنار مشکلات داخلی، این کشورها به موضوع روابط میان قدرت‌هایی همچون روسیه، چین و آمریکا نیز تبدیل شده‌اند. روسیه و چین برای هدفی مشترک، با وجود اختلاف‌های بین خود، به دنبال ثبات در منطقه بوده‌اند (International Crisis Group, 2013):

1.Low-Intenstity Conflicts

امری که خروج نیروهای خارجی مستقر در افغانستان در ماه های جاری، می تواند آن را مورد تهدید قرار دهد.

کشورهای آسیای مرکزی مسیر متفاوتی برای توسعه یافتگی تجربه کرده اند که البته این مسیر متأثر از موقعیت جغرافیایی، تجربه تاریخی، شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و رفتارهای سیاسی است. می توان گفت زیرساخت های اساسی انسانی و عمرانی شامل جاده ها، نیروگاه ها، بیمارستان ها، مدرسه ها و آخرین نسل متخصص های تربیت یافته اتحاد شوروی که اداره امور را بر عهده داشتند در حال ناپدید شدن هستند. نظام های پس از استقلال یا در اداره این زیرساخت ها ناتوان بوده اند یا بودجه، تحت تأثیر فساد قرار گرفته است (International Crisis Group, 2011). این فروپاشی و سقوط زمینه تظاهرات و ناآرامی هایی با هدف اعتراض به دولت را به وجود آورده است. ازبکستان و ترکمنستان هم در همین مسیر قرار دارند گرچه ترکمنستان از نظر منابع گاز طبیعی غنی است و ازبکستان می تواند با بهره برداری از منابع طلا و صادرات پنبه، درآمد قابل توجهی بدست آورد (Slim, 2002).

مسئله آب و توزیع آن یکی از مهم ترین مسائل پیش روی آسیای مرکزی، به ویژه در دره فرغانه است. (Tabyshaliev, 1999) حدود ۶۰ درصد جمعیت آسیای مرکزی در مناطق روستایی و ۴۵ درصد نیروی کار در بخش کشاورزی مشغول هستند که آب را به مؤلفه ای حیاتی در حفظ ثبات اجتماعی و رشد اقتصادی تبدیل کرده است. (Pérez Martín, 2010) هرچند مسئله توزیع آب در منطقه یکسان نیست و این مهم، روابط میان کشورها را با توجه به ظرفیت و توانایی هر کشور در دسترسی به منابع آبی تحت تأثیر قرار داده است. (The Economist, 2013) ازبکستان به شدت به اضافه آب همسایگان خود وابسته است و اولویت آن، استفاده از آب وارداتی در بخش کشاورزی است از این رو، روابط میان آنها به چالش کشیده شده است. (Pérez Martín, 2010) برای نمونه اسلام کریماف، رئیس جمهور ازبکستان می گوید سد واقع بر آمودریا، "کنترل ناعادلانه ای بر این دریا" به تاجیکستان می دهد و در صورت وقوع زلزله، هزاران تن را در خطر قرار می دهد. (The Economist, 2013) در ۷ سپتامبر ۲۰۱۲، وی گفت چنین طرح هایی می تواند "نه تنها به رویارویی های جدی، بلکه حتی به جنگ" بیانجامد (The Economist, 2013).

اما دره فرغانه که میان سه کشور تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان قرار دارد، افزون بر مشکل آب از قاچاق مواد مخدر و پیامدهای اجتماعی آن رنج می‌برند. سوء حکمرانی همچنین موجب تشدید مشکلات اجتماعی می‌شود. زیرا در منطقه‌ای که وضعیت کار جوانان و مردم آن نامساعد است و مشکلات اجتماعی وجود دارد، حضور در چرخه عرضه مواد مخدر به یک شغل تبدیل شده است که در نهایت اثر کوتاه مدت و دراز مدت فرهنگی - اجتماعی و سیاسی - اقتصادی را در پی دارد. (Slim, 2002)

این مجموعه مشکلات، از اختلاف‌های مرزی حل نشده گرفته تا جنایت‌های سازمان یافته، مسائل انرژی و دسترسی به آب، ثبات منطقه‌ای را کاهش داده و این منطقه را به محل توجه ملل متحد برای استفاده از ساز و کارهای پیش بینی شده در منشور خود برای حل و یا بررسی و پیشگیری آنان تبدیل کرده است. باید توجه داشت که بیشتر کشورهای منطقه در واکنش به نگرانی‌های امنیتی خود یا به ائتلاف با روسیه پیوستند و یا (به‌ویژه پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱) با آمریکا هم‌پیمان شدند و یا بسته به موضوع، از یکی از این دو قدرت بهره جستند، انتظار می‌رود با خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان، کمی از وابستگی آسیای مرکزی به این کشور و بالعکس کاسته شود. (Mankoff, 2013; Allison, 2004; Snyder, 2012) بررسی تحولات آسیای مرکزی نشان می‌دهد که رهبران آن از انگیزه و ظرفیت کافی برای تشکیل یک اجماع امنیتی منطقه‌ای میان خود، بدون حضور قدرت‌های مطرح، برخوردار نبوده‌اند گرچه توانسته‌اند موفقیتی بسیار محدود در ایجاد یک پلتفرم مشترک امنیتی منطقه‌ای (بیشتر بدون حضور ترکمنستان انزواگر) به دست آورند (Allison, 2004). اتحادیه آسیای مرکزی که بعدها به اتحادیه اقتصادی آسیای مرکزی^۱ تغییر نام داد، در سال ۱۹۹۴ به‌عنوان نهادی اقتصادی با حضور قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان تشکیل شد. در دسامبر ۱۹۹۵، این اتحادیه شورای مشترک وزرای دفاع برای بررسی مسائل امنیتی منطقه‌ای و هماهنگی مانورهای نظامی، دفاع هوایی و تجهیزات دفاعی را تشکیل داد. شورایی که به جز ایجاد یک گردان نیروهای حفظ صلح سه جانبه^۲ واقع در جنوب قزاقستان در مرز با ازبکستان، موفقیتی نداشته است. این نیروها در چارچوب برنامه‌های ناتو آموزش دیدند و در سلسله‌ای از مانورهای مشترک در

1. Central Asian Economic Unione

2. Centrasbat

قزاقستان و ازبکستان با سربازانی از نیروهای مسلح مختلف، شامل ایالات متحده آمریکا، روسیه و ترکیه شرکت کردند. اما هیچ‌گاه، حتی در تاجیکستانی که در سال ۱۹۹۸ به سی.ای.ای.سی^۱ پیوست و یا در مقابله با افغانستان مورد استفاده قرار نگرفتند و در عمل ماهیت آنان زیر سؤال رفته است. (Allison, 2004)

پیش از اوجگیری نگرانی‌ها در مورد تروریسم در یازده سپتامبر ۲۰۰۱، رهبران قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان در مورد همکاری در مبارزه با تروریسم، افراط‌گرایی و جنایت‌های سازمان یافته فرامرزی در قالب اقدام‌هایی چون اشتراک گذاری اطلاعات، عملیات مخفی و یا توسل به زور به توافق رسیدند. (Allison, 2004) در قالب این توافق، ساخت مرکز هماهنگ کننده‌ای میان نهادهای اطلاعاتی و امنیتی قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان در خجند تاجیکستان در نظر گرفته شد که به دلیل بدبینی و شک موجود میان کشورهای آسیای مرکزی، به‌ویژه میان تاجیکستان و ازبکستان در عمل به هدف نرسید. در اوت ۲۰۰۰ در نشست سران بیشکک با دعوت از روسیه برای پیوستن به توافق‌نامه ضدتروریسم که تنها چهار ماه پیش امضا شده بود و درخواست از شورای امنیت، کشورهای هم‌سود برای طراحی راهکارهای مبارزه با تهدید تروریسم به خودکفایی بی‌حاصل در همکاری‌های امنیتی پایان دادند (Alison, 2004). در دسامبر ۲۰۰۱، سی.ای.ای.سی شورای وزیران دفاع خود را منحل و نام خود را به سازمان همکاری‌های آسیای مرکزی تغییر داد. تاکنون، این نهاد موفقیت خاصی نداشته و به نظر می‌رسد به دلیل نیاز به ایجاد تعادل در روابط با بازیگران اصلی در منطقه، ناکام شده است. (Allison, 2004) با توجه به این مرور گذرا و توجه به دیگر تجربه‌های تاریخی در منطقه (Fawcett, 2004)، می‌توان گفت فرایند همکاری‌های منطقه در قالب نهادگرایی و منطقه‌گرایی امنیتی شکست خورده و مشکلات تاریخی موجود در روابط میان کشورها، ضعف‌های ساختاری اجرایی، نبود اراده سیاسی لازم و درک مشترک و فرهنگ حکمرانی متمرکز و اقتدارگرایانه و به‌دور از خرد جمعی در این کشورها سبب شده تا تمایل به همکاری‌ها تنها در سطح بیانیه‌ها باقی بماند. آیا ملل متحد توانسته با توجه به هدف اساسی خود در تسهیل همکاری‌های بین‌المللی، گشایشی در این منطقه و حل مشکلات آن به‌وجود آورد؟

نظام ملل متحد و همکاری‌های منطقه‌ای

همان‌گونه که پیش‌تر مورد اشاره قرار گرفت، همکاری و به‌ویژه همکاری‌های منطقه‌ای (میان کشورها و با سازمان‌های منطقه‌ای) یکی از بنیان‌های اساسی منشور و سازوکارهای ملل متحد بود که به گفته بان کی مون، ناشی از ذهن دوران‌دیش طراحان آن در ترسیم سازمانی متشکل از ۱۹۳ ملت و سازمان‌های بین‌المللی بوده است که با یکدیگر برای "پیشگیری، مدیریت و حل بحران‌ها" همکاری می‌کنند. گرچه آنان حجم کنونی "بهم پیوستگی تهدیدهای امروزی و گستره همکاری‌های میان کشورها" را پیش‌بینی نمی‌کردند (U.N. Security Council, Aug 2013). آسیای مرکزی نیز از این روند همکاری‌های منطقه‌ای نظام ملل متحد مستثنی نیست و سابقه آن به پیش از تشکیل مرکز دیپلماسی پیشگیرانه برمی‌گردد. اولین نشانه‌های توجه سازمان ملل متحد به حل تعارض‌های بالقوه میان کشورهای آسیای مرکزی در دره فرغانه را می‌توان در طرح بنیادی "برنامه توسعه دره فرغانه ملل متحد" جستجو کرد که با بکارگیری رهیافتی پیشگیرانه و مبتنی بر مفهوم "توسعه"، به ریشه‌های تعارض‌های بالقوه توجه کرد (Tabyshaliev, 1999). هدف نهایی این طرح، حفظ صلح و آرامش میان قومیت‌های مختلف و برقراری روابط خوب در درون جوامع محلی، و گسترش گفت‌وگوی منطقه‌ای و همکاری بر روی موضوع‌هایی مانند قاچاق مواد مخدر و تقویت و افزایش ظرفیت نهادهای دولتی و غیردولتی بود. این طرح سه جانبه که بدون مشارکت ازبکستان، به دلیل "مداخله آمیز" دانستن آن در امور داخلی خود، انجام شد بیشتر تلاش خود را متمرکز رشد و توسعه پایدار کرد (Slim, 2002).

هدف طرح بعدی ملل متحد، مرکز عمل پیشگیرانه، ارزیابی ظرفیت‌های بالقوه تعارض در آسیای مرکزی و توسعه مطالعات و پژوهش‌ها در مورد این منطقه حساس بود. افزون بر مشکلات بین قومیت‌ها، مجموعه‌ای از موضوع‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی همچون مشکلات زیست‌محیطی و جنایت‌های سازمان یافته را نیز مورد بررسی قرار داد. با توجه به واقعیت‌های سیاسی منطقه و نقش مناسبات قدرت، این طرح به دلیل حمایت مالی آمریکایی‌ها از آن و حضور گسترده غربی‌ها با انتقاد روبه‌رو شد (Slim, 2002).

"گسترش صلح در مناطق مرزبندی شده" طرح دیگری بود که البته از سوی کارگزاری سوئیس برای توسعه و گسترش همکاری در منطقه، حمایت ملل متحد، گروه بین‌المللی بحران و سازمان امنیت و همکاری اروپا با برگزاری برنامه‌هایی همچون کارگاه‌های آموزشی پی گرفته شد. مشکل چنین طرح‌هایی، نبود نگاه ساختاری به مشکلات بنیادین منطقه و دره فرغانه است. زیرا بیشتر توجه غرب در این منطقه معطوف به مقابله با ظهور و تقویت اسلام‌گراها است. این درحالی است که مسائل مهم‌تر و اساسی‌تری همچون فقر ناشی از سیاست‌های دولتی و سوءحکمرانی باید مورد توجه قرار گیرد. (Slim, 2002)

در اکتبر سال ۲۰۰۳، سازمان امنیت و همکاری اروپا و سازمان ملل متحد در همکاری با حکومت ترکمنستان، دفتر مورد بحث این نوشتار را با هدف جلوگیری از مخاصمه و ترویج توسعه پایدار در منطقه و بر اساس سیاست‌های پیشگیرانه تأسیس کردند. در اوت ۲۰۰۴، رئیس‌جمهور ترکمنستان در مقاله‌ای در نشریه ملل متحد، از آمادگی کشور مطبوعش برای میزبانی این دفتر و تأمین منابع مالی و زیرساختی (همچون ساختمان و تسهیلات زندگی کارکنان) و همچنین ارتقای سطح آن به یک مرکز پیشگیرانه خبر داد. در ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۵ و در جلسه سران مجمع عمومی ملل متحد، وزیر امور خارجه ترکمنستان ضمن تأکید دوباره بر این پیشنهاد، اعلام آمادگی ترکمنستان برای میزبانی این مرکز را امتداد "سیاست‌های بی‌طرفی" خود دانست، و گفت این مرکز منطقه‌ای باید با رعایت همه جانبه ملاحظات موجود، برای پیشگیری از تعارض به ارائه راه حلی در قبال چالش‌های مبارزه با تروریسم، قاچاق مواد مخدر و همچنین چگونگی توسعه پایدار گام بردارد. کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارش سالیانه خود در سال ۲۰۰۶ ضمن تأکید دوباره بر این ایده، از پیشروی بحث‌هایی در مورد آن خبر داد (U.N. General Assembly, A/61/1). وی در گزارش سال ۲۰۰۶ خود گفت با تکیه بر حمایت پنج دولت منطقه‌ای، وی پیشنهاد تأسیس مرکز منطقه‌ای را به صورت رسمی مطرح کرده است (U.N. General Assembly, A/61/1) اما با طولانی شدن گفت‌وگوهای مربوط به آن، این مرکز سرانجام در زمان بان کی مون، در سال ۲۰۰۷ تأسیس شد. سرانجام در سال ۲۰۰۷، دبیر کل سازمان ملل متحد شورای امنیت را از اجماع میان پنج کشور ازبکستان،

تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان برای تشکیل این مرکز آگاه کرد و از وجود "ذهنیت مثبت" در میان آنان خبر داد. با نگاهی گذرا به تاریخ این منطقه، برقراری نهایی اجماع در این رابطه میان کشورهای آسیای مرکزی (که خود کاری مشکل است) را می‌توان نتیجه اعتبار و قدرت سازمان ملل متحد دانست که توانست با تکیه بر این سرمایه خود، شرایط مناسب گفت‌وگو و توافق مورد نظر را فراهم کند. این مرکز، نشان دهنده تعهد مشترک کشورها برای بکارگیری دیپلماسی پیشگیرانه برای دستیابی به صلح پایدار است. هدف اصلی این مرکز، تقویت دیپلماسی پیشگیرانه به‌عنوان عرصه‌ای برای گفت‌وگو و تبادل افکار میان دولت‌های آسیای مرکزی با تمرکز بر همیاری، جهت یافتن راه‌های چندجانبه به مشکلات مشترک، تقویت همکاری‌های امنیتی مشترک و تبیین تهدیدهای بالقوه و بالفعل در منطقه است. بر اساس سند تأسیس مرکز، "ارتباط با حکومت‌های منطقه و هم‌زمان با طرف‌های درگیر با موضوع مربوط به دیپلماسی پیشگیرانه"، "نظارت و تجزیه و تحلیل وضعیت موجود و اطلاع‌رسانی به دبیرکل در مورد کوشش‌های مرتبط با دیپلماسی پیشگیرانه"، "حفظ تماس با سازمان‌های منطقه‌ای مرتبط، تشویق تلاش‌های منتهی به صلح و ابتکارهای و تسهیل هماهنگی و تبادل اطلاعات با توجه به وظایف خاص خود"، "فراهم کردن یک چارچوب سیاسی و رهبری برای فعالیت‌های پیشگیری تیم کشوری سازمان ملل متحد در منطقه و حمایت از کوشش‌های هماهنگ کننده‌های مقیم و نظام ملل متحد شامل نهاد برتون وودز در گسترش رهیافت همبسته برای کمک‌های توسعه‌ای و بشردوستانه پیشگیری" و "حفظ ارتباط تنگاتنگ با گروه کمک ملل متحد در افغانستان برای اطمینان از تجزیه و تحلیل همه‌جانبه منطقه" از جمله وظایف مرکز است (U.N. Security Council, S/2007/729).

این مرکز ضمن پیروی از اصل بی‌طرفی مرسوم در سازوکارهای سازمان ملل متحد، به‌دنبال کاربست راه‌حل‌های بومی و الگوهای ملی با بهره‌برداری از تجربه جهانی است. این رویکرد از این جهت قابل اهمیت است که بیشتر رویکردهای محلی با تکیه بر آگاهی از سنت‌ها، واقعیت‌های تاریخی و تجربه جوامع درگیر کارا تر بوده و این مهم در آسیای مرکزی که به شدت بهم وابسته است، بیشتر قابل توجه است. تا به امروز سه برنامه اقدام برای سال‌های

۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰، سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ و سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ در سه محور کلی "اثر تهدیدهای فرامرزی متوجه منطقه"، "اثر توسعه ملی بر ثبات منطقه‌ای" و "مدیریت مشترک منابع و تخریب محیط زیست" ارائه شده است. در ادامه، به بررسی برنامه اقدام سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ در چارچوب محورهای آن خواهیم پرداخت (UNRCCA, nd).

الف) تهدیدهای فرامرزی متوجه منطقه

تهدیدهای فهرست شده در این برنامه اقدام، در واقع همان تهدیدهایی است که بیشتر تحلیل‌گران از خطر آن در منطقه سخن می‌گویند، مانند تهدیدهای فراملی همچون تروریسم، افراط‌گرایی، جنایت‌های سازمان‌یافته و به‌ویژه مواد مخدر که متأثر از و یا اثرگذار بر تهدیدهای داخلی همچون فساد، کارآمدی و نبود حکومت قانون و سوءحکمرانی است. این برنامه، شرایط امنیتی افغانستان و پیامدهای آن به ویژه تروریسم، افراط‌گرایی، و تولید، قاچاق و مصرف مواد مخدر و دیگر مواد غیرقانونی را از جمله تهدیدهای آنی منطقه قلمداد می‌کند (UNRCCA, nd).

ب) اثر توسعه ملی بر ثبات منطقه‌ای

با بروز خشونت‌های بهار ۲۰۱۰ در قرقیزستان، زنگ خطری برای دست اندرکاران منطقه به صدا درآمد. از این‌رو، ارزیابی توسعه نیافتگی، حاشیه نشینی و مشکلات اجتماعی ناشی از آن، محدودیت آزادی‌های اساسی و نبود احترام به حقوق بنیادین بشر، تنش‌های قومی، جنایت‌های سازمان یافته، فساد، تحولات سیاسی و درنهایت شاخص‌های اقتصادی مؤثر بر زندگی روزمره و ثبات اجتماعی، به مؤلفه‌های مهم "پیشگیری" از بحران‌ها و مخاصمات در فرآیند دیپلماسی پیشگیرانه تبدیل شده‌اند. (UNRCCA, nd)

ج) مدیریت منابع مشترک و تخریب محیط زیست

با فروپاشی اتحاد شوروی و گسستگی منابع طبیعی، یکی از مشکلات کشورهای نوظهور تأمین نیازهای شهروندان و حفظ محیط زیست بود. زیرا دسترسی به منابعی که در گذشته به راحتی در اختیار آنان بود مشکل شد. توسعه سازوکارهای متقابل و قابل قبول برای استفاده همه جانبه

از منابع طبیعی به‌ویژه آب، به نیاز اساسی منطقه تبدیل شده است. از سوی دیگر، کشورهای منطقه با طیفی از تهدیدها و بلایای زیست‌محیطی مانند بیابان‌زدایی، آلودگی صنعتی، آلودگی رادیواکتیو و مشکلات ذخیره پسماندها مواجه است که سبب تهدید سلامت و امنیت بهداشتی مردم، و تهدید ثبات اجتماعی شده است که نیازمند همکاری مشترک برای مقابله با آنان است (UNRCCA, nd). این طیف گسترده و گوناگون تهدیدهای پیش روی منطقه، ضعف‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیرساختی کشورهای منطقه در کنار اختلاف‌های آنان با یکدیگر، تجزیه و تحلیل همه جانبه وضعیت و یافتن راه حل برای بدست آوردن اطمینان از ثبات پایدار در این منطقه را به یک الزام برای دولت‌های عضو نظام ملل متحد در آسیای مرکزی تبدیل کرده که نیازمند همیاری نهادهای مالی بین‌المللی است. باید توجه داشت که با توجه به موقعیت راهبردی منطقه و همچنین مناسبات قدرت، بدیهی است که قدرت‌های بزرگ نیز وارد این معادله شده و می‌توانند گاه نقش آسان‌کننده و یا مانع را ایفا کنند. دلایل تشکیل، وظایف و برنامه‌های یونرکا همگی مدعی پیروی از رهیافت دیپلماسی پیشگیرانه دارند و دیگر نهادها و ایفاگران نقش در این راستا فعالیت می‌کنند، ارزیابی این فعالیت‌ها نیازمند درک مفهوم دیپلماسی پیشگیرانه، چگونگی توسعه و تحول و جایگاه آن در سازمان ملل متحد است.

دیپلماسی پیشگیرانه

سازمان ملل متحد برای دستیابی به فلسفه اساسی تأسیس خود، یعنی "اندیشه در امان داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ"، سازوکارها و یا گفتمان‌های مختلفی را مبتنی بر تفسیر خود از آن طراحی و مورد استفاده قرار داده است. "دیپلماسی پیشگیرانه" نیز یکی از این موارد است که تاریخی به عمر ملل متحد دارد. اولین بار داک‌هامرشولد، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد از این اصطلاح استفاده کرد و بعدها تحول و توسعه یافت. با نگاهی دقیق‌تر به ماهیت و هدف اصلی، که در نگاه هامرشولد به معنای "هرگونه عملی با هدف پیشگیری از بروز تخاصم میان دو طرف دعوا، پیشگیری از تشدید تخاصم‌ها به درگیری، و محدود کردن دامنه مخاصمات

فعلی "است، می‌توان سابقه آن را در زمان تشکیل کنسرت اروپا جستجو کرد که به‌نوعی، سنگ بنای تاریخی دیپلماسی پیشگیرانه دانسته می‌شود.

همان‌گونه که پیشتر به‌صورت گذرا اشاره شد، منشور ملل متحد با مقدمه و ایده پیشگیری از جنگ نوشته شده است. بر این اساس، سازوکارها و ابزارهایی برای حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها پیش‌بینی شده است. اختیارات مطرح در ماده ۹۹ منشور برای دبیرکل بیش از همه به عواملی همچون مهارت، توانایی، تدبیر، شم سیاسی و نگاه فنی بستگی دارد. گفتنی است که ظرفیت‌ها، اختیارات و مسئولیت‌ها دو رکن اساسی سازمان ملل متحد یعنی مجمع عمومی و شورای امنیت نیز در این مهم مؤثر است که بررسی آن نیازمند مقاله‌ای دیگر است. نقش پررنگ دبیرکل‌های ملل متحد در ترویج و توسعه دیپلماسی پیشگیرانه، ناشی از همین رویکرد منشور است که همگی آنان، به ویژه هامرشولد، نقشی کلیدی در به‌کارگیری و پیشبرد دیپلماسی پیشگیرانه در هنگامه وقایع مختلف جهانی داشتند. اما شاید بتوان گفت پایان جنگ سرد و دبیرکلی پطروس غالی، فصل نوینی از دیپلماسی پیشگیرانه را گشود. با پایان جنگ سرد، رقابت‌های ایدئولوژیک و منطق جنگ سرد حاکم بر روابط بین‌الملل نیز کم‌رنگ شد و به علاقمندی جهانی و گسترده به مفهوم دیپلماسی پیشگیرانه انجامید. پس از جنگ سرد، همان‌گونه که جوامع علمی مختلف به بازتعریف مفهوم "امنیت" پرداختند، دیپلماسی پیشگیرانه و مؤلفه‌های آن نیز توسعه پیدا کردند. تغییرهای توازن قوا در سیاست جهانی و رویدادهای تلخی همچون رواندا، برونودی و بالکان، جامعه جهانی و سازمان ملل متحد را به تحرک در راستای پیشگیری از فجایع انسانی و ظهور مفاهیمی همچون امنیت انسانی انجامید. در این راستا و با توجه به زمزمه‌های مختلف مبنی بر "نظم نوین جهانی" بود. پطروس غالی "دیپلماسی پیشگیرانه" را "استفاده از روش‌های دیپلماتیک برای پیشگیری از بروز مخاصمات، پیشگیری از تشدید مخاصمات به منازعه‌های مسلحانه و در صورت بروز درگیری‌های مسلحانه، پیشگیری از گسترش چنین منازعه‌هایی" تعریف کرد. به عقیده پطروس غالی، تفاوت اساسی میان این دو مفهوم در زمان بکارگرفتن آنها است: دیپلماسی پیشگیرانه برای پیش از بروز مخاصمه و منازعه است اما برقراری صلح برای پس از وقوع مخاصمه‌های مسلحانه است (Ramcharan, 2008). بر اساس تفکر پطروس غالی، دیپلماسی پیشگیرانه خود چند مرحله‌ای

است: در ابتدا متمرکز بر منبع اختلاف است، بعدها به پیشگیری از تبدیل اختلاف به منازعه خشونت بار و سپس متوجه مهار گسترش خشونت و تشدید آن است. اسناد دستور کار برای توسعه و دستور کار برای مردم سالاری از جمله دو سند مهمی هستند که امتداد اقدام‌های پیرامون توسعه دیپلماسی پیشگیرانه به حساب می‌آیند. (Boutros-Ghali, 1992) اقدام‌های پطروس غالی با کوفی عنان، دبیرکلی کارآزموده سازمان ملل متحد ادامه پیدا کرد. کوفی عنان، "فرهنگ پیشگیری" را در نظام و سازوکارهای ملل متحد نهادینه کرد و خواستار حمایت و هماهنگی همه جانبه برای استفاده از این رویکرد شد.

بان کی مون، دبیرکل کنونی سازمان ملل متحد دیپلماسی پیشگیرانه را به یکی از حوزه‌های مورد توجه خود تبدیل کرده و آن را "نه یک گزینه، بلکه یک نیاز" می‌داند. وی در پاسخ به درخواست شورای امنیت و هم‌زمان با پنجاهمین سالگرد مرگ داک‌هامرشولد، گزارشی را در مورد دیپلماسی پیشگیرانه تدوین کرد. گزارشی که در راستای تعهد وی مبنی بر قرار دادن دیپلماسی پیشگیرانه به‌عنوان "اولویت اساسی" دوره دوم دبیرکلی خویش نوشته شد. نکته مهم این گزارش و بحث‌های پیرامون آن، نشانگر فایده بیشتر "پیشگیری" نسبت به "واکنش" است. در این گزارش، بان‌کی‌مون خواستار تقویت همکاری‌های راهبردی با نهادهای منطقه‌ای همچون اتحادیه آفریقا و بخش مدنی و همچنین افزایش اثرگذاری اقدام‌های پیشگیرانه، و بهبود نظام‌های شراکت اطلاعات هشدار می‌ان سازمان ملل متحد و نهادهای منطقه‌ای برای واکنش به موقع نسبت به رویدادها شد. تأکید بان‌کی‌مون بر همکاری با نهادهای منطقه‌ای، یکی از مؤلفه‌های نگرش پطروس غالی به سازوکارهای جهانی دیپلماسی پیشگیرانه است. خوشبختانه، نهادهای منطقه‌ای ضمن حمایت از دیپلماسی پیشگیرانه، سازوکارهایی همچون شوراهای عالی، نمایندگان ویژه، هیئت حقیقت‌یابی و مانند آن را ایجاد کرده‌اند. نقش آفرینان غیردولتی، همچون نهادهای بشردوستانه و سازمان‌های غیردولتی با واکنش‌های میدانی و یا بکار گرفتن دیپلماسی غیررسمی^۱ نیز در دیپلماسی پیشگیرانه مشارکت داشته‌اند. قطعنامه ۱۳۶۶ شورای امنیت نیز به نقش دبیرکل بر اساس ماده ۹۹، هنجارهای حقوق بین‌الملل و لزوم حل مسالمت آمیز اختلاف‌های توجه داشته و خواستار گزارش‌دهی دبیرکل به شورا در زمان

بروز مخاصمه و یا تشدید آن با ارائه هشدارهای زود هنگام شده است. فراخوان شورای امنیت از دولت‌ها برای توجه به ظرفیت کارگزاری‌های سازمان ملل متحد، سازمان‌های غیردولتی و بخش مدنی و خصوصی، ریشه‌یابی علت‌ها و ابعاد مخاصمه‌ها، جلوگیری از تجارت غیرقانونی اسلحه به‌عنوان یکی از راه‌های پیشگیری از بروز منازعات مسلحانه و لزوم حمایت آنان از توسعه یک راهبرد همه‌جانبه دیپلماسی پیشگیرانه از سوی دبیرکل نیز جالب توجه است. مطرح شدن دیپلماسی پیشگیرانه و توجه به آن و توسعه این مفهوم باعث شده است تا گاه با معادلاتی همچون اقدام پیشگیرانه، فرستادن پیشگیرانه و پیشگیری از بحران یکسان دانسته شود. گرچه همه این مفاهیم می‌توانند در زیر دیپلماسی پیشگیرانه و به‌عنوان مؤلفه آن تعریف شوند، اما باید توجه داشت که دیپلماسی پیشگیرانه را با وجود همه تحولات و توسعه‌اش، در قالب گزارش پطروس غالی تعریف کرد. فراتر از آن، با در نظر گرفتن اقدام‌هایی همچون اقدام بان‌کی‌مون در استفاده از دیپلماسی پیشگیرانه در تغییرهای اقلیم، می‌توان گفت که دیپلماسی پیشگیرانه به جستجوی ریشه‌های مخاصمه مانند تنش‌های زیست محیطی، رقابت بر سر منابع محدود، مشکلات سیاسی همچون نبود مشروعیت و مشکلات دوران گذار در جوامع جنگ زده، و به‌شکل کلی مجموعه‌ای از اعمال هماهنگ برای طراحی، حل و فصل، مدیریت، محدود کردن و ریشه‌یابی اختلاف‌ها با هدف محو خشونت دانست.

باید توجه داشت که نمی‌توان پیشگیری را به مجموعه‌ای از ابزارها و ظرفیت‌ها تقلیل داد. دیپلماسی پیشگیرانه شامل توافق و اجماع بر سر اینکه باید از چه رویدادی پیشگیری کرد و اجماع بر سر تهدیدهای مهم متوجه جامعه جهانی نیز می‌شود. سازمان ملل متحد برای پیشگیری از وقوع جنگ میان دولت‌ها ایجاد شد. اما تحولات پس از جنگ سرد، پارادایم جدیدی از دیپلماسی پیشگیرانه را با ظهور جنگ‌های داخلی، درگیری‌های قومی، سقوط و فروپاشی دولت‌ها و کشورها، نقض آشکار حقوق بشر (شامل کشتار دسته جمعی و جنایت‌های جنگی) و بلاای طبعی ارائه داد. به زبان ساده‌تر، دیپلماسی پیشگیرانه قبل از جنگ سرد متوجه وقایع میان دولت‌ها بود اما اکنون، دیپلماسی پیشگیرانه شامل موارد بین دولتی و درون دولتی است. با توجه به این موارد و با وجود تأیید گسترده اهمیت دیپلماسی پیشگیرانه و تولید ادبیات روزافزون در این راستا، تاکنون فرآیند استاندارد برای دیپلماسی پیشگیرانه و یا

هشدارهای زودهنگام تأسیس و یا مورد استفاده قرار نگرفته است. از این رو می‌توان گفت دیپلماسی پیشگیرانه، فراتر از یک ایده اما کوچک‌تر از یک راهبرد است. آیا یونرکا می‌تواند به نهادینه شدن چنین فرآیندهایی منجر شود؟

فعالیت‌ها و ارزیابی

فعالیت‌های صورت گرفته از سوی یونرکا را باید در چارچوب واقعیت‌های موجود در منطقه و پیچیدگی‌های ماهیت اختلاف‌های میان کشورها و آثار احتمالی آنان در قالب مناصمه و درک درست از توان سازوکارهای مرسوم سازمان ملل متحد و همچنین خلط نکردن دیپلماسی پیشگیرانه با دیگر مفاهیم و ابزارهای مشابه ارزیابی کرد. البته با توجه به سابقه کم فعالیت یونرکا و نبود مطالعات پژوهشی کافی در خارج از نظام سازمان ملل متحد، تحلیل فعالیت‌های یونرکا بیشتر متکی بر اسناد، مدارک و آمارهای ملل متحد و در بعضی موارد با اتکا به منابعی که به صورت غیرمستقیم این فعالیت‌ها را ارزیابی می‌کنند، صورت می‌پذیرد که طبیعی است ارزیابی بیشتر آن نیاز به زمان و مطالعات عمیق‌تر دارد. به نظر نماینده ویژه دبیرکل در منطقه که رئیس مرکز نیز هست، ارزیابی فعالیت‌های یونرکا به‌عنوان تنها ابزار کاهش اختلاف‌های بالقوه در منطقه "کاری دشوار است". اما باید توجه داشت که واکنش‌ها، تأییدها و انتقادها دولت‌های آسیای مرکزی و همچنین گزارش‌های شورای امنیت و دیگر نهادهای منطقه‌ای، می‌توانند بازخورد و به نسبت مناسبی شاخصی برای ارزیابی فعالیت‌های یونرکا باشند (Kemp, 2013). در زمینه تهدیدهای فرامرزی نیز یونرکا با کشورهای آسیای مرکزی در تهیه یک برنامه اقدام ملی برای اجرا در راهبرد جهانی ضدتروریسم ملل متحد همکاری کرده است. برنامه اقدام مشترک نیز در اجلاس وزرای عشق آباد در نوامبر ۲۰۱۱ تصویب شد که دومین برنامه از این نوع در سطح جهانی برای اجرای راهبردی از این شکل است. یونرکا با دیگر نهادهای تخصصی ملل متحد در مورد جنایت‌های فراملی و مواد مخدر مانند یوان.او.دی.سی^۱ نیز ارتباط نزدیکی دارد. از نظر آثار مشکلات افغانستان بر کشورهای آسیای مرکزی، یونرکا با یوان.آ.ام.آ.^۲، هیئت کمک ملل متحد در افغانستان که متولی فعالیت‌های سازمان در این کشور

1. UNODC
2. UNAMA

است، پیوسته است. همچنین یونرکا به شکل فعال در برخی از مجامع منطقه‌ای مانند برنامه ویژه ملل متحد برای اقتصاد آسیای مرکزی و همچنین کنفرانس همکاری منطقه‌ای مشارکت کرده است و در فرایند استانبول ۲۰۱۱^۱ در زمینه تدوین معیارهای اعتمادسازی ضد تروریستی فعالیت کرده است. از نظر نماینده ویژه دبیرکل، دولت‌های آسیای مرکزی با وجود بسیاری از چالش‌ها و اختلاف‌های در زمینه‌های پیش‌تر مطرح شده، از صلح و گسترش روابط میان خود حمایت می‌کنند. طبیعی است نقش اصلی در این وضعیت توسط خود کشورها و رهبران آنها هدایت می‌شود و یونرکا در این زمینه شریک و تسهیل کننده است. (Kemp, 2013) البته باید توجه داشت که با وجود چالش‌های جدی که در برخی از زمینه‌ها شکنده است، توجه بیشتر دولت‌ها در همکاری با یکدیگر و با یونرکا را ضروری می‌کند. برای ارزیابی فعالیت یونرکا می‌توان به نظر شورای امنیت سازمان ملل متحد به مناسبت پنجمین سال فعالیت مرکز در ۲۹ ژانویه ۲۰۱۳ و همچنین آخرین بیانیه آن در ژوئن ۲۰۱۳ اشاره داشت. در پنجمین سال تأسیس مرکز، از فعالیت‌های آن قدردانی شد. به عقیده شورای امنیت، یونرکا به‌عنوان یک سازوکار دیپلماسی پیشگیرانه در دسترس ملل متحد به تقویت صلح و ثبات در منطقه کمک می‌کند و شورا از دولت‌های منطقه می‌خواهد که برای دستیابی به توسعه پایدار در آسیای مرکزی از فعالیت‌های مرکز بهره‌مند شوند. شورا ضمن توجه به وضعیت افغانستان و حرکت آن به سوی دوره گذار و آثار آن بر منطقه، بر ضرورت کوشش‌های یونرکا برای تسهیل گفت‌وگو و کمک به افغانستان یاد می‌کند (U.N. Security Council, SC/11087). همچنین در این راستا می‌توان به گزارشی که مرکز در اکتبر ۲۰۱۲ منتشر کرده استناد کرد که در آن از دولت‌های آسیای مرکزی می‌خواهد تا در کوشش‌های خود برای ثبات منطقه از سرمایه‌گذاری در طرح‌های اقتصادی اجتماعی حمایت کنند. بر مبنای این گزارش، خط‌گاز ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند به نفع افغانستان خواهد بود. همچنین همکاری‌های ضد تروریستی و قاچاق با این کشور را مورد تأکید قرار می‌دهد.

نتیجه

به‌کارگیری معیارهای پیشگیرانه برای جلوگیری از جنگ و معارضه، گرچه سابقه‌ای تاریخی دارد؛ اما باید توجه داشت که سازمان ملل متحد تنها به ایده "مصون داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ"، در واقع صلح منفی بسنده نمی‌کند و خواستار توسعه و ثبات و رفاه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز هست که صلح مثبت به حساب می‌آید. سازمان ملل متحد، صلح مثبت و صلح منفی را مؤلفه‌های تشکیل دهنده صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند که بررسی فعالیت‌های یونرکا نشان دهنده حرکت در این امتداد است. یونرکا با اتکا به این تجربه که پیشگیری از مخاصمات به دلایل متعدد موفق‌تر و کاراتر از مدیریت مخاصمه‌ها است، در راستای رهیافت پیشگیرانه ملل متحد تشکیل شد. در ارزیابی فعالیت‌های این مرکز، بایست به محدودیت‌های طبیعی و شناخته شده کار در هر نهاد، سازمان ملل متحد و فضای بین‌الملل، و هم چنین مقتضیات و چالش‌های منطقه‌ای ناشی از ساخت ویژه و تاریخ آن نیز توجه داشت که بر مشکلات پیچیده و یافتن راهکار برای آن‌ها سایه افکنده است.

باید توجه داشت که از آغاز تأسیس یونرکا، انتظارات از آن در سطح حداقلی بوده که خود شاید یک نکته منفی دانسته شود. اما هرگونه اقدام فراتر از انتظار، مثبت ارزیابی می‌شود و نقطه شروعی در نهادینه سازی عمیق دیپلماسی پیشگیرانه است. یکی از موانع پیش رو و خارج از اختیارات یونرکا، مشکلات روابط دوجانبه و همچنین ایفای نقش قدرت‌های بزرگ و مناسبات قدرت است که توانایی لازم برای اثرگذاری بر آن را ندارد. با این وجود، یونرکا در مسیری گام گذاشته است که در حال بهبود است و اثرگذاری آن رو به افزایش است.

امید است که با ادامه همین مسیر و همچنین تقویت ساختاری این نهاد، یونرکا بیش از ارائه اسناد و پیشنهادها، بتواند به میانجی‌ای قدرتمند و مؤثر در آسیای مرکزی تبدیل شود که نمونه‌ای مناسب از رهیافت پیشگیرانه برای حل اختلاف‌ها برای دیگر نقاط جهان باشد.

منابع

1. Allison, Roy.(2012), "Regionalism, Regional Structures and Security Management in Central Asia". **International Affairs**, Vol. 80, No.3, (May 2004): 463-483. JSTOR. Web. 1. <<http://www.jstor.org/stable/3569020>>.
2. Boutros-Ghali, Boutros.(2013), **An Agenda for Peace: Preventive Diplomacy, Peacemaking, and Peace-Keeping** : report of the Secretary-General pursuant to the statement adopted by the summit meeting of the Security Council on 31 January 1992. New York: United Nations, 1992. Web. 10 Sep. 2013.<http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/47/277>.
3. Collins, Alan.(2010), **Contemporary Security Studies**. 2nd ed. Oxford: Oxford University Press.
4. Emmers, Ralf, and See Seng Tang.(2009), **The ASEAN Regional Forum and Preventive Diplomacy: A Failure in Practice**. Singapore: S. Rajaratnam School of International Studies. The RSIS Working Paper series. Ser. 189. Print.
5. Fawcett, Louise.(2004), "Exploring Regional Domains: A Comparative History of Regionalism." **International Affairs** Vol.80, No.3, pp.429-446, JSTOR. Web. 1 Nov. 2012. <<http://www.jstor.org/stable/3569018>>.
6. International Crisis Group.(2011), **Central Asia: Decay and Decline**. Brussels: **International Crisis Group**, Asia Report No. 20, No.1. Web. 20 May 2013. <<http://www.crisisgroup.org/en/regions/asia/central-asia/201-central-asia-decay-and-decline.aspx>>.
7. International Crisis Group. **China's Central Asia Problem**. Brussels: **International Crisis Group**, (27 Feb. 2013). Asia Report Vol. 24, No.4. Web. 20 Mar. 2013. <<http://www.crisisgroup.org/~media/Files/asia/north-east-asia/244-chinas-central-asia-problem.pdf>>.
8. International Crisis Group.(24 May. 2011), **Tajikistan: The Changing Insurgent Threats**. Brussels, **International Crisis Group**, Asia Report No. 205. Web. 15 Jul. 2013. <<http://www.crisisgroup.org/en/regions/asia/central-asia/tajikistan/205-tajikistan-the-changing-insurgent-threats.aspx>>.
9. Kemp, Walter. (2013), "**Interview with Ambassador Miroslav Jenča on Regional Cooperation in Central Asia**." IPI Global Observatory. Web. 15 Sept. 2013.<<http://theglobalobservatory.org/interviews/453-interview-with-ambassador-miroslav-jena-on-regional-cooperation-in-central-asia-.html>>.
10. Lund, Michael S.(1997) Preventing Violent Conflicts: A Strategy for Preventive Diplomacy. Washington: **United States Institute of Peace**, Print.
11. Lund, Michael S. "**Underrating Preventive Diplomacy**." Response. Foreign Affairs 74.3 (1995). Web. 3 Feb 2013. <<http://www.foreignaffairs.com/articles/51214/michael-s-lund/underrating-preventive-diplomacy#>>.
12. Mankoff, Jeffrey. (2013) **The United States and Central Asia after 2014**. Washington, DC: Center for Strategic and International Studies, The CSIS Russia and Eurasia Program. Web. 10 Aug. 2013. <<http://csis.org/publication/united-states-and-central-asia-after-2014>>.

13. Pérez Martín, Miguel Á. (19 Apr. 2010), "**Geo-Economics in Central Asia and the 'Great Game' of Natural Resources: Water, Oil, Gas, Uranium and Transportation Corridors (WP).**" Real Instituto Elcano. Central Asia Observatory (OAC),. Web. 4 Aug. 2013.
<http://www.realinstitutoelcano.org/wps/portal/rielcano_eng/Content?WCM_GLOBAL_CONTEXT=/elcano/elcano_in/zonas_in/dt59-2009>.
14. Peyrouse, Sébastien. (April 2011), "**Russia-Central Asia: Advances and Shortcomings of the Military Partnership.**" in Blank, Stephen J. (ed). Central Asia Security Trends: Views From Europe and Russia. The Strategic Studies Institute, SSI Monograph. Web. 10 Aug. 2013.
<<http://www.strategicstudiesinstitute.army.mil/pdffiles/pub1063.pdf>>.
15. Ramcharan, Bertrand G. **Preventive Diplomacy at the UN.** Bloomington & Indianapolis: Indiana University Press, 2008. United Nations Intellectual History Project Series. Print.
16. Schoeberlein John, (2002), "**Central Asia: A Host of Preventable Conflicts,**" in Tongeren, Paul van, Hans van de Veen, and Juliette Verhoeven. Searching for Peace In Europe and Eurasia : an Overview of Conflict Prevention and Peacebuilding Activities. Boulder, Colo.: Lynne Rienner Publishers, Print.
17. Slim, Randa M. ,(2002), "**The Ferghana Valley**" In Tongeren, Paul van, Hans van de Veen, and Juliette Verhoeven. Searching for Peace In Europe and Eurasia : an Overview of Conflict Prevention and Peacebuilding Activities. Boulder, Colo.: Lynne Rienner Publishers, Print.
18. Snyder, Craig A. (2012), "**Regional Security and Regional Conflicts**" in Snyder, Craig A. (ed.) Contemporary Security and Strategy. 3rd ed. Basingstoke: McMillan,.
19. Stedman, Stephen John. (1995), "**Alchemy for a New World Order: Overselling 'Preventive Diplomacy'**". Foreign Affairs. Vol.74, No.2 , Web. 2 Feb. 2013. <<http://www.foreignaffairs.com/articles/50968/stephen-john-stedman/alchemy-for-a-new-world-order-overselling-preventive-diplomacy>>.
20. Tabyshalieva, Anara. (1999.), **The Challenge of Regional Cooperation in Central Asia : Preventing Ethnic Conflict in the Ferghana Valley.** Washington, DC: United States Institute of Peace, Peaceworks. Ser. 28. Print.
21. Tabyshalieva, Anara. (2002), "**Policy Recommendations**" In Tongeren, Paul van, Hans van de Veen, and Juliette Verhoeven. Searching for Peace In Europe and Eurasia : an Overview of Conflict Prevention and Peacebuilding Activities. Boulder, Colo.: Lynne Rienner Publishers, Print.
22. Trenin, Dmitri. (2013), "**Contemporary Issues in International Security: Central Asia.**" in Blank, Stephen J. (ed). Central Asia Security Trends: Views From Europe and Russia. The Strategic Studies Institute, April 2011. SSI Monograph. Web. 10 Aug. 2013. <<http://www.strategicstudiesinstitute.army.mil/pdffiles/pub1063.pdf>>.
23. U.N. General Assembly, 61st Session. (2006), "**Report of the Secretary General on the Work of the Organization.**" (A/61/1), 16 Aug. 2006. General Assembly. UN: New York, Web. 14 Sep. 2013.
<<http://www.un.org/millenniumgoals/sgreport2006>>.

24.UNRCCA.(15 Sep.2013),"United Nations Regional Centre for Preventive Diplomacy for Central Asia (UNRCCA) Programme of Action for 2012-2014." UNRCCA. UNRCCA, n.d. Web.

<<http://unrcca.unmissions.org/LinkClick.aspx?fileticket=KXuJq1J37No%3d&tabid=9306&language=en-US>>.

25."Water wars in Central Asia: Dammed if They Do.(29 Sep.2012)," **The Economist**. Web. 29 Jul. 2013.

<<http://www.economist.com/node/21563764>>.

Archive of SID